

ارزیابی میزان آگاهی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده از مسایل زیست محیطی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۱/۱۰/۲۰

سید محمد شبیری (دانشیار گروه علمی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران مرکزی)
سیده زهرا شمسی پاپکیاده* (کارشناس ارشد آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور شهر ری)
ناهید قربانی (کارشناس ارشد آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور شهر ری)

چکیده

مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران شهر تهران است با ساختمان های به شدت آسیب پذیر، که با قرار گرفتن تقریباً تمام این شهر بر روی گسل در معرض خطر می باشد. از دیگر مشکلات این شهر، افزایش جمعیت، وسایل نقلیه، بافت های فرسوده و... که موجب ایجاد آلودگی های زیست محیطی و ناپایداری شهر و نگرانی ساکنان و مدیران شهری شده و آن ها را به اندیشه واداشته است، که به ارائه راهکارهایی جهت برطرف نمودن مشکلات این شهر بخصوص معضلات زیست محیطی ناشی از بافت های فرسوده در این کلان شهر بپردازند. این پژوهش در راستای بهبود وضعیت به ارزیابی آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده در شهر تهران پرداخته است. پژوهشی از نوع کاربردی و روش تحقیق توصیفی با رویکرد پیمایشی که دارای حجم نمونه با جامعه آماری یکسان است و آگاهی آن ها را از هفت جنبه زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نشان داده است که آگاهی های زیست محیطی کارشناسان به جز از جنبه مفاهیم محیط زیست در سایر جنبه ها مطلوب نمی باشند و در جنبه های مختلف بین کارشناسان زن و مرد متفاوت است. همچنین میزان آگاهی نقش تعیین کننده ای در نگرش کارشناسان دارد.

واژه های کلیدی:

آگاهی زیست محیطی، ارزیابی زیست محیطی، نوسازی بافت های فرسوده.

* نویسنده رابط: z.shamsi@pnu.ac.ir

مقدمه

آسیب‌پذیری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در حال حاضر بیش از پیش توجه همگان را به خود جلب کرده است و کلیه‌ی آن‌ها را با مسایل و مشکلات مشابهی رو به رو ساخته است. رشد شتابان جمعیت، معضل اشتغال و کار، مشکل مسکن و شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و محله‌های فقیرنشین، ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی، از مسایل و مشکلات اکثر شهرهای این گونه کشورها به شمار می‌آیند. و یکی از مسایل مهمی که بسیاری از کشورهای جهان در حال توسعه با آن درگیر هستند، این است که به شهرهای کوچک و بزرگ این کشورها، تعداد انبوهی از شهرنشینان جدید، در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهر افزوده می‌شود. بنا بر گزارش برانت^۱ (۱۹۸۰) با عنوان شمال-جنوب، برنامه‌ای برای بقا، شهرنشینی توأم با فقر و کثرت جمعیت، یکی از مهم‌ترین فرایندهایی است که جوامع انسانی را در قرن بیست و یکم متأثر کرده است. (پاتر^۲، ۱۳۸۴: ۱۹) و مشاهده می‌شود که در بیش تر نواحی جغرافیایی رفتارها، نگرش‌ها و عقاید اجتماعی - سیاسی مردم شهر تحت تأثیر محله مسکونی، سن، نوع اشتغال و ساخت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها قرار می‌گیرد. آسیب‌شناسی اجتماعی نیز رابطه‌ی مستقیم فضای زندگی، حوزه‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی را روشن می‌سازد. براساس تحقیقات انجام شده در شهر هلسینکی مشخص شده است که میان کیفیت مسکن و رفتارهای انسانی مثل خودکشی، نارسایی‌های روانی و انحرافات و کج روی‌ها رابطه مستقیمی وجود دارد. (شکوئی، ۱۳۸۳) در ساده‌ترین شکل، استدلالی بنیادی مطرح می‌شود که بر پایه آن وجود یک محیط زیست سالم و ایمن برای بقای مداوم یک جمعیت معین شرط اساسی است. سلامت روحی و جسمی جمعیت مستقیماً به کیفیت محیط‌های زیستی گوناگون او مربوط می‌شود که عناصرش از خانواده تا محل کار تا مقیاس بین‌المللی بر هم کنش دارند. (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۸۴) با این تعاریف وجود معضلات و مسایل زیست محیطی را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

- مسائلی که در شرایط فقر و فرایند توسعه بروز می‌کنند.
- مسائلی که به علت اثرات منفی فرایندهای زیاد توسعه بروز می‌کنند.
- آلودگی ناشی از فعالیت‌های انسان

¹ Brandt

² North-South: A Program For Survival

³ Potter

– بلایای طبیعی

دسته‌ی اول بر سلامتی و یک پارچگی منابع در نتیجه فقر و دسترسی نامناسب بخش بزرگی از جمعیت به نیازهای اساسی انسان تاثیر می‌گذارد. دسته دوم به اثرات ناخواسته تلاش‌ها برای دستیابی به رشد و توسعه پروژها و برنامه‌های سریع توسعه می‌پردازد. و دسته سوم آلودگی کاملاً انسان ساخت، که نه تنها فوراً به منابع طبیعی آسیب می‌رساند بلکه بعد از آسیب نیز خطرناک است. و آخرین دسته حوادث و بحرانی طبیعی به مانند گردباد و طوفان، سیلاب‌ها و خشکسالی، زلزله، سونامی، رانش زمین هستند که از نظر اکولوژیکی اتفاق می‌افتد. تهران، پایتخت ایران که اکثریت جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده و از جمله مراکز شهری کشورهای در حال توسعه می‌باشد. که از نظر اکولوژیکی آسیب‌پذیر بوده و مهاجرت فراوان در این شهر باعث حاشیه‌نشینی شده است. پس با این وجود کلیه عواملی که باعث بوجود آمدن یک محیط زیست ناسالم می‌گردد، شهر تهران دارا است.

حاشیه نشینی و وجود بافت‌های فرسوده در شهر تهران با توجه به نقشه گسل‌های تهران و بررسی زلزله‌های تاریخی آن (گزارش جایکا) مشخص می‌شود که خطر زلزله همواره شهر تهران را تهدید می‌کند. از طرف دیگر این بافت‌های فرسوده در بستر خود، زلزله‌ای خاموش و خزننده به حساب می‌آید. (عندلیب، ۱۳۸۶: ۱۵) براین اساس از جمله مواردی که باعث ضرورت توجه به مسایل بافت‌های قدیمی و فرسوده می‌شود استفاده از مصالح ارزان و قدیمی در بیش تر ساختمان‌های این بافت‌هاست که تهدیدی جدی برای ایمنی ساکنان در هنگام بروز سوانح طبیعی به شمار می‌رود. (اسدیان، سیاحی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) این معضلات در متن خویش دامنه مفاسدی هم چون تکدی‌گری، فقر، اعتیاد و معضلات اخلاقی را گسترش داده و تشدید می‌کند. همین امر خود مقدمه فاجعه عظیمی است که می‌تواند متعاقب بروز یک زلزله نمایان شود.

لذا می‌توان بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای منظر شهری بافت‌های فرسوده و ناکارآمد را مهم‌ترین پتانسیل تغییر و مداخله در شهرهای ایران با هدف توسعه درونزا و رویکرد بازآفرینی دانست و از آنجایی که شیوه‌ی مواجهه با بافت‌های فرسوده مورد اقدام از لحاظ کالبد بنا، ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی نمی‌تواند یکسان باشد، از این رو لازم است با برنامه‌ها و طرح‌های مناسب و تعامل با گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ برای هر یک از بافت‌ها، راه حل‌های مختص به آن تهیه و تدوین گردد. (عندلیب، بیات و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۴) تا اساساً حق

استفاده همگان از مواهب زندگی شهری و داشتن فرصت برابر در برخورداری از محیط زیست سالم، که تحقق آن با همکاری مدیران شهری امکان پذیر خواهد بود صورت پذیرد.

بنابراین شرط لازم برای توسعه پایدار و شهر پایدار است. مفهومی که توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) به بایستگی پاسخگوی نسل حاضر و نیازهای آن بوده و بدون به خطر انداختن توانایی نسل های بعدی برای رفع نیازهایشان بتواند تمام مشکلات مورد نیاز بشر را در زمان کنونی پاسخ دهند، تعریف شده است. بنابراین می توان گفت که: بهسازی و نوسازی با هدف های توسعه پایدار هماهنگی فراوانی دارد به عبارت دیگر اقدامات نوسازی و بهسازی شهری به دنبال تحقق توسعه پایدار شهری است. بر این اساس بررسی و تبیین نظریه ی شهر پایدار و توسعه پایدار شهری در فرآیند نوسازی و بهسازی شهری لازم و ضروری است. (داوود پور، نیک نیا، به نقل از ترنر، ۱۳۹۰: ۳۶)

تفاوت زیادی برای ماهیت و مقیاس معضلات زیست محیطی از شهری به شهر برای داشتن یک شهر پایدار وجود دارد. شهرهایی که بدون افزایش متناظر خدمات و برنامه ریزی مناسب و با هیچ نظارتی بر تخریب محیط زیست گسترش یافته اند. و نتیجه آن رشد نامناسب، تغییر کاربری های زمین و توسعه شهری، مسکن قشرهای کم درآمد به نواحی حاشیه ای که در برابر مخاطرات طبیعی و انسانی آسیب پذیراند، می باشد. از طرف دیگر غالباً این محیط های شهری از عوامل بیماری زای بیولوژیکی و بیماری های ناشی از دسترسی محدود به آب، زندگی در مکان های کوچک و دفع ناقص زباله رنج می برند. همه موارد ذکر شده به نوعی با مشکل بافت های فرسوده شهری آمیخته شده و بی توجهی به آنها موجب تشدید معضلات زیست محیطی در بافت فرسوده شهری می گردد. که متأسفانه وجود چنین مکان هایی در شهر تهران اگر زیاد نباشد کم هم نیستند.

مناطق از شهر تهران که با گستردگی بافت فرسوده درگیر هستند. شامل مناطق شمالی تا جنوبی، همچنین شرقی، غربی و مرکزی می باشد که این مشکل در مناطق شمال غرب تهران بسیار محدودتر است در حالیکه در مناطق مرکزی و جنوب شرقی گستردگی قابل توجهی دارد. که وجود نیروی انسانی آگاه و مطلع در سازمان نوسازی تهران و شرکت های نوسازان مناطق شهر تهران به عنوان مجری و کارفرمایان این امر در ایجاد یک شهری توسعه یافته، ایمن و پایدار بسیار اثرگذار می باشد. زیرا این افراد در ارتباط مستقیم با محیط زیست و نیز به عنوان افرادی تلقی می گردند که تصمیمات و نحوه نظارت و عملکرد آنها تاثیر بسزایی بر محل

سکوت و پیرامون آن دارد. امروزه با توجه به مساله ساخت و سازهای فراوان و نیز سوددهی، افراد، سعی دارند که با حداقل هزینه و نیز در مدت زمان کوتاهی پروژه خود را به اتمام رسانند. مصالح مصرفی در ساختمان‌ها و بناهای ساخته شده و نحوه استفاده از آن و نیز مسائل جانبی آن در حمل و نقل و استفاده بهینه از این مصالح به تدبیر کارفرمایان و مالکان بستگی دارد. جنس و مرغوبیت مصالح و تجهیزات به کار رفته در بناها و تصمیم در مورد استفاده همگی به تصمیمات مالکان وابسته می‌باشد. میزان رعایت مجموعه قوانین ساخت و ساز و آیین‌نامه‌های اجرایی، میزان رعایت نکات فنی در کاهش میزان انرژی و صرف حداقل ماده سوختی برای گرم و یا خنک نمودن داخل واحدهای مسکونی مسائلی هستند که بذل توجه به آن‌ها و نیز رعایت و اجرای آن نیازمند داشتن آگاهی و همچنین نوع نگاه و نگرش این افراد مسوول می‌باشد. بنابراین هر چه بیش تر به میزان آگاهی خود نسبت به این موارد افزایش پیدا کند شهرها و محیط‌ها سالم‌تری هم برای خود و هم برای نسل‌های آینده ایجاد خواهیم کرد. و به شناخت از عوامل موثر در رعایت توجه به مسایل محیطی توسط این افراد از جامعه بیش تر می‌گردد. این زمانی اتفاق خواهد افتاد که آموزش‌های مداوم تخصصی به دلیل پیشرفت دانش بشری و ضرورت بر بهسازی شخصی و حرفه‌ای و نیز بر آموزش رهبری و بهسازی توانایی و تخصصی انسان بر کاربرد شایسته ابزار و وسایل مدیریت و منابع انسانی صورت پذیرد. که در نهایت منجر به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند، بنابراین منابع انسانی مبنای دانش محوری کشور است و از این لحاظ این نوع منابع انسانی بر سایر منابع نظیر پول یا تکنولوژی برتری دارد. این منابع انسانی است که سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به وجود می‌آورد و توسعه ملی را پیش می‌برد. و به همین جهت امروزه آموزش نیروی انسانی به عنوان گامی موثر در جهت بهسازی و نوسازی توانمندی کارکنان مورد تاکید سازمان‌ها خصوصاً سازمان‌های یادگیرنده و پویاست (شریعتمداری، ۱۳۸۳).

این پژوهش آگاهی و نگرش زیست محیطی کارشناسان سازمان نوسازی شهر تهران را مورد بررسی قرار داده است زیرا آن‌ها به عنوان افرادی تلقی می‌گردند که در ارتباط مستقیم با محیط زیست و نیز تصمیمات و نحوه نظارت و عملکرد آنها تاثیر بسزایی بر محل سکونت و پیرامون مردم شهر تهران دارد و هر چه میزان شناخت از عوامل موثر در رعایت توجه به مسایل محیطی توسط این قشر از جامعه بیش تر گردد فاکتورها و انگیزه‌های موجود نگرش برای بهبود شرایط ساخت و توجه و رعایت مسایل زیست محیطی اقدام آگاهانه‌تری انجام خواهد شد. بنابراین اگر ما انسان‌ها توانایی پیشگیری از خطراتی که بومی زمین، جغرافیا و اقلیم و جوامع و

فرهنگ ما هستند را نداریم اما می توانیم این بحران‌ها را چنان مدیریت کنیم که به فاجعه تبدیل نشوند.

چارچوب نظری

در بحث آموزش اطلاعات و آگاهی زیست محیطی تشخیص "آموزش" از "اطلاعات" در زمینه های محیط زیست نیاز به کمی دقت دارد و برخی این دو را به جای هم به کار می‌برند. اطلاعات، در حقیقت یک صورت ساده‌ای از حقایق و مفهوم ساده‌ای است که بیش تر ایجاد آگاهی می‌کند. اما آموزش علاوه بر آگاهی ایجاد یک سری مراحل یادگیری است که باعث درک واقعی موضوع و پویایی آن می‌شود. آگاهی دارای سطوح مختلفی است. سطح اول آگاهی ساده زیست محیطی است مردم در مورد یک موضوع آگاه می‌شوند و درباره آن چیزهایی می‌شنوند و درک عمیقی از موضوع ندارند و در حقیقت تسلسل و روابط درونی میان این موضوعات زیست محیطی را نمی‌دانند و خود به تنهای دانش واقعی حل مشکلات زیست محیطی را در بر ندارد حتی اگر توسط کل جامعه پشتیبانی شود. سطح دوم آگاهی که سطحی عمیق تر است همان دانش رفتار شخصی می‌باشد که در حقیقت ترکیبی از آگاهی و عمل است. دانش رفتار شخصی همانند آگاهی ساده است از این که نیاز به دانش زیست محیطی عمیق و مفصل نسبت به موضوع ندارد. سومین و آخرین سطح "سواد زیست محیطی" از آگاهی ساده و دانش رفتاری شخصی متفاوت است. چون در این سطح، عمق اطلاعات و مهارت‌های واقعی (فکر کردن و انجام دادن) بسیار بیش تر است. در حقیقت با اطلاعات مشخص شروع می‌شود و با استفاده از اصول پایه‌ای، مهارت برای بررسی موضوع و چگونگی کاربرد اطلاعات به دست آمده، خاتمه می‌یابد. (شبیری، ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۵)

کایزر و همکاران (۱۹۹۹) در مورد تاثیر آگاهی بر نگرش زیست محیطی اظهار می‌کنند افرادی که دانش بیش تری در مورد مسائل محیطی دارند نسبت به محیط و مسائل آن حساس تر می‌گردند لذا به احتمال بیش تر این افراد دارای نگرش مثبت به محیط می‌باشند و برای رفتارهای مسوولانه محیطی برانگیخته می‌شوند. در این میان میزان تحصیلات متغیری است که بر آگاهی (دانش) زیست محیطی اثر گذار است (Kaiser, Wolfing, 1999: 11).

والنر، هانزیکر و کیناست (۲۰۰۳) نیز به بررسی اهمیت ادراک خطر در مورد بحران های محیطی پرداختند. نتایج نشان داد افرادی که اطلاعات خوبی از موضوعات محیطی دارند در

مقایسه با افرادی که اطلاعات کمی دارند به احتمال بیش تر از سیاست‌های محیطی حمایت می‌کنند. (Walner, Hunziker, Kienast, 2003: 190)

نوردلاند و گارویل^۱ (۲۰۰۲) به بررسی اثرات مدل سلسله مراتبی ارزش‌های محیطی عمومی، نگرش‌های محیطی و آگاهی از مسائل و معیارهای شخصی بر رفتارهای محیطی عمومی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد ارزش‌های محیطی به طور غیرمستقیم از طریق نگرش‌ها و آگاهی از مسائل محیطی و معیارهای شخصی، رفتار محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بین ارزش‌های خود تعالی، آگاهی از مسائل محیطی با معیارهای شخصی رابطه مثبت وجود داشت. در حالی که خودافزایی با انسان‌مداری همبستگی مثبت و با آگاهی از مسائل همبستگی منفی داشت (به نقل از رضوانی، ۱۳۸۴).

استرن و دیتز بیان می‌کنند که نوع نگرش به محیط ریشه در سیستم ارزشی افراد دارد. نگرش‌های افراد در موضوعات محیطی بر اساس نوع ارزشی است که این اشخاص برای خود، دیگران یا گیاهان و حیوانات (موجودات دیگر) قائل‌اند. براین اساس سه دسته نگرش را بیان می‌کنند: علاقه به آسایش خود "نگرش خود محوری" نامیده می‌شود. علاقه به آسایش موجودات انسانی دیگر "نگرش نوع دوستی" نامیده می‌شود. علاقه به موجودات غیرانسانی یا محیط زیست "نگرش زیست محوری" نامیده می‌شود. اگر هر یک از این نگرش‌ها را به شکل خالص در نظر بگیریم منجر به علایق محیطی متفاوتی می‌شوند اگر علاقه به مسایل محیطی مبتنی بر نفع شخصی باشد زمانی شخص هزینه‌هایی در جهت حفظ محیط متقبل خواهد شد که فوایدی برای وی داشته باشد. اگر علاقه‌ی نوع دوستی باشد زمانی فرد هزینه‌هایی برای حفظ محیط می‌پردازد که منجر به حفظ موجودات انسانی دیگر شود. اگر علاقه فقط مبتنی بر ارزش‌های زیستی باشد توجه شخصی معطوف به گونه‌های دیگر و محیط‌های طبیعی است. (استرن، دینزوکالف^۲، ۱۹۹۳) البته نگرش‌های زیست‌محوری، نوع دوستی و خودخواهی کاملاً با هم در تضاد نیستند. در واقع آنها می‌توانند در ارتباط با یکدیگر باشند و بسیاری از افراد ترکیبی از این سه نگرش را دارند (همان منبع).

با توجه به مباحث استنتاج شده از مطالب فوق اهداف این پژوهش را می‌توان چنین بیان

نمود:

● بررسی میزان آگاهی زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران

¹ Nordlund & Garvill

² Stern, Dietz & Kalof

• بررسی رابطه بین آگاهی و نگرش کارشناسان نوسازی بافت فرسوده در شهر تهران

• بررسی تفاوت میزان آگاهی های زیست محیطی بین کارشناسان زن و مرد

فرضیات این پژوهش به شرح ذیل می باشد:

(۱) آیا میزان آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران بالاست

(۲) آیا بین آگاهی و نگرش زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران رابطه وجود دارد.

(۳) آیا بین آگاهی های زیست محیطی کارشناسان زن و مرد تفاوت وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش کاربردی بوده و بر حسب نحوه گردآوری داده ها، یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است و جامعه آماری که شامل تمام افراد، عناصر، اشیاء و پدیده هایی است که حداقل یک خصیصه مشترک، که مورد بررسی در تحقیق است را دارا باشند (سرمد، ۱۳۸۳: ۱۷۷) و محقق بتواند نتایج مطالعه خود را به کلیه آن ها تعمیم دهد. جامعه آماری که در این پژوهش با توجه به متغیرهای تحقیق، تمامی کارشناسان سازمان نوسازی بافت فرسوده شهر تهران که تعداد آنها ۵۰ نفر می باشد انتخاب شده است. و به دلیل تعداد پایین جامعه آماری از روش تمام شماری برای حجم نمونه استفاده شده است. پرسشنامه یکی از متداول ترین ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی به شمار می آید. که براساس طیف لیکرت به عنوان ابزار اصلی در گردآوری داده ها این پژوهش به کار گرفته شده است. در این پرسشنامه از مولفه های مفاهیم محیط زیست، آلودگی محیط زیست، قوانین و مقررات محیط زیست، جمعیت، لرزه خیزی تهران، منابع و اطلاعات عمومی برای برای گویه های متغیر آگاهی و مولفه های آموزش محیط زیست، اخلاق محیط زیست، حفاظت محیط زیست، معضلات محیط زیست برای گویه های متغیر نگرش مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین میزان پایایی (قابلیت اعتماد) ابزار اندازه گیری (پرسشنامه) با استفاده از آلفای کرونباخ مقدار عددی ضریب پایایی برابر با ۰/۸۷ تعیین گردید.

برای بررسی فرضیات پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS به توصیف و استنباط آماری پرداخته شد در این پژوهش از آمار توصیفی برای توصیف داده ها به منظور محاسبه فراوانی، درصد فراوانی، میانگین استفاده شده است. در قسمت دوم برای تحلیل داده های جمع آوری شده از آمار استنباطی کمک گرفته شده است که با استفاده ضریب تاوکندال (tb)، آزمون دو جمله ای، آزمون t- مستقل به تجزیه و تحلیل فرضیات پرداخته شده است.

یافته های پژوهش

هدف از این پژوهش «ارزیابی آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده در شهر تهران و ارائه ی پیشنهادهای و رهنمودهای لازم» می باشد، که با تکیه بر چهارچوب نظری و استفاده از پرسشنامه مفاهیم اصلی پژوهش، شناسایی شده و در نهایت جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته است. داده ها به صورت ویژگی ها و آماره های توصیفی مربوط به هر یک از ابعاد و مؤلفه های مؤثر آگاهی و نگرش زیست محیطی مشخص شده است. بررسی توصیفی افراد نمونه ی آماری نشان می دهد که از مجموع ۵۰ نفر نمونه آماری تعداد ۳۴ نفر را مردان، معادل ۶۸ درصد، و تعداد ۱۶ نفر را زن ها، معادل ۳۲ درصد تشکیل می دهند و ۳۲ نفر دارای تحصیلات لیسانس که معادل ۶۴ درصد و ۱۸ نفر دارای مدرک فوق لیسانس معادل ۳۶ درصد می باشند.

فرضیه ی اول: آیا میزان آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران بالاست.

برای پاسخ دادن به این فرضیه از آزمون دو جمله ای استفاده شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون دو جمله ای برای بررسی آگاهی ها در جنبه های مختلف (براساس تقریب نرمال)

Sig	عدم آگاهی	آگاهی	مولفه ها
۰/۰۰۰	۰/۳۰	۰/۷۰	مفاهیم محیط زیست
۱/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۵۰	آلودگی محیط زیست
۰/۸۸۸	۰/۴۲	۰/۵۸	قوانین و مقررات محیط زیست
۰/۰۰۰	۰/۷۴	۰/۲۶	جمعیت
۱/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۵۰	لرزه خیزی تهران
۰/۸۴۶	۰/۵۶	۰/۴۴	منابع
۰/۸۴۶	۰/۵۶	۰/۴۴	اطلاعات عمومی

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

با توجه به جدول ۱ که تقسیم بندی سوالات در ۷ جنبه صورت گرفته، مشاهده می شود تنها از جنبه مفاهیم محیط زیست، آگاهی زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران بالا می باشد. ولی از جنبه ی جمعیت در حد پایینی هستند و در مورد جنبه های آلودگی محیط زیست، قوانین و مقررات محیط زیست، لرزه خیزی تهران، منابع و اطلاعات عمومی، در حد

متوسطی می باشند. بنابراین با توجه به این که از بین هفت جنبه ای که مورد سؤال قرار گرفته اند تنها در زمینه مفاهیم محیط زیست آگاهی ها بالا بوده است و در ۶ جنبه دیگر آگاهی ها در سطح پایین و یا متوسط قرار دارند، فرضیه ی اول رد می شود.

فرضیه ی دوم: آیا بین میزان آگاهی و نگرش کارشناسان نوسازی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی تاوکندال (τb)

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵
آگاهی	۱				
آموزش محیط زیست	۰/۴۶۵**	۱			
اخلاق محیط زیست	۰/۲۳۴*	۰/۳۲۸**	۱		
حفاظت محیط زیست	۰/۳۶۵**	۰/۳۰۹**	۰/۶۵۲**	۱	
معضلات محیط زیست	-۰/۳۲۷**	-۰/۲۱۵*	-۰/۳۴۸**	-۰/۳۳۱**	۱

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

سطح معناداری ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش. *p<.05 **p<.01

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود متغیر آگاهی با آموزش محیط زیست، اخلاق محیط زیست، حفاظت محیط زیست در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه ی مستقیم و معنادار دارد، یعنی هر چه قدر آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نیز بالاتر باشد نگرش نسبت به سه متغیر اشاره شده بالاتر است، اما آگاهی با نگرش نسبت به معضلات محیط زیست در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه ی منفی دارد به این مفهوم که هر چه میزان آگاهی های زیست محیطی پایین تر باشد، معضلات محیط زیست بالاتر می رود.

با توجه به این جدول نیز مشاهده می گردد که متغیرهای اخلاق محیط زیست، حفاظت محیط زیست و آموزش های محیط زیست با معضلات محیط زیست رابطه ی منفی و معنادار دارند، متغیرهای اخلاق محیط زیست، حفاظت محیط زیست و آموزش های محیط زیست با هم به صورت دو به دو رابطه ی مستقیم و معنادار دارند.

در نهایت با استفاده از ضریب همبستگی تاوکندال وجود رابطه ی معنادار بین نگرش و آگاهی آزمون شده است که مقدار ضریب همبستگی تاوکندال برابر ۰/۴۱۱ شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این رابطه معنادار می باشد و چون این ضریب مقداری بزرگ تر از

صفر شده است بنابراین نگرش با آگاهی رابطه ی مثبت و معنادار دارد. هر چه آگاهی کارشناسان بالاتر رود، نگرش زیست محیطی نیز بالاتر خواهد بود.

فرضیه ی سوم: آیا بین کارشناسان زن و مرد از نظر میزان آگاهی زیست محیطی تفاوت وجود دارد.

نتایج آزمون t- مستقل در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون t- مستقل برای آگاهی از دیدگاه جنیست

Sig	مقدار T	میزان آگاهی مردان (درصد)	میزان آگاهی زنان (درصد)	مولفه ها
۰/۰۳۸	۲/۱۱۹	۷۷/۵	۶۲/۵	مفاهیم محیط زیست
۰/۰۸۰	۱/۷۵۴	۴۷/۵	۵۲/۵	آلودگی محیط زیست
۰/۰۰۱	۲/۹۸۷	۴۷/۲۵	۶۸/۷۵	قوانین و مقررات محیط زیست
۰/۰۰۱	۵/۲۵	۴۵/۷۵	۶/۲۵	جمعیت
۰/۰۳۷	۲/۳۴۲	۵۲/۲۵	۴۳/۷۵	لرزه خیزی تهران
۰/۰۰۱	۵/۸۰۴	۶۳	۲۵	منابع
۰/۰۰۱	۴/۵۴۱	۲۹/۲۵	۵۸/۷۵	اطلاعات عمومی

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

جدول ۳ که به بررسی میزان آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی شهر تهران در بین افراد با جنسیت متفاوت را مشخص نموده است نشان می دهد که وجود تفاوت بین آگاهی کارشناسان زن و مرد معنادار می باشد. و از جنبه ی آلودگی محیط زیست زنان و مردان از آگاهی یکسانی برخوردار هستند و تفاوت وجود نداشته است.

از جنبه های مفاهیم محیط زیست، جمعیت، لرزه خیزی تهران و منابع، مردان از آگاهی بالاتری نسبت به زنان برخوردار هستند و این تفاوت آگاهی نیز معنادار شده است. در صورتی که از جنبه های قوانین و مقررات محیط زیست و اطلاعات عمومی زنان از آگاهی بالاتری برخوردار هستند.

بحث و نتیجه گیری

در جهت دستیابی و همسو با موارد مطرح شده در سیاست های کلی نظام، چشم انداز بیست ساله کشور و طرح چشم انداز بیست ساله شهر تهران در برنامه‌ی راهبردی نوسازی بافت های فرسوده، این گونه مطرح می گردد:

"تهران شهری است توسعه یافته و پایدار متناسب با نقشه های بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی، دارای محیط شهری مناسب و بافت های (فرسوده) بازسازی شده زیبا، مقاوم و با امکانات لازم جهت مقابله و مدیریت بحران به ویژه زلزله و برخورداری ساکنان آن از کیفیت قابل قبول و مستمر زندگی."

اما نکته ای که در این جا باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که آیا برای دستیابی به چنین شرایطی تمام جنبه های اساسی مورد توجه قرار گرفته است و یا تنها به تامین تجهیزات فنی، نیازهای مالی و نیروی انسانی و امکانات فیزیکی پرداخته شده است؟ مطمئنا موارد ذکر شده برای اجرای طرح های توسعه‌ی شهری و نوسازی بافت های فرسوده شهری لازم و ضروری هستند، اما عاملی که معمولا مورد غفلت واقع می شود، آموزش نیروی انسانی و افزایش سطح آگاهی در زمینه موضوعات زیست محیطی است، که عامل بسیار مهمی از دوباره کاری ها و اتلاف منابع جلوگیری می نماید. در این پژوهش بسیاری از کارشناسان نوسازی بافت فرسوده شهری اذعان داشته اند که مهم ترین مانع توجه به محیط زیست در اجرای طرح های عمرانی کمبود آگاهی و انگیزه می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که افرادی که در تکمیل پرسشنامه تحقیق همکاری نموده اند، تنها در زمینه مفاهیم محیط زیست دارای آگاهی بالایی هستند، در حالی که در رابطه با موضوع جمعیت آگاهی پایینی داشته و در سایر موضوعات آگاهی آنان در سطح متوسط قرار دارد. در فرایند توسعه، آموزش هم از لحاظ تغییر ساختاری و هم فرصت های فردی نقش مهمی ایفا می کند. در بحث های مربوط به توسعه نیاز به آموزش انکار ناپذیر است و در همه کشورهای در حال توسعه، آموزش را کلید پیشرفت فردی و نیز عامل اصلی توسعه اجتماعی و اقتصادی در نظر می گیرند. بنابراین نیاز به آموزش در تمام سطوح و در تمام بخش ها امری انکارناپذیر است. به ویژه در خصوص اجرای طرح های نوسازی که تهدید جدی مانند خطر زلزله و آلودگی های محیط زیست در شهر تهران است و باید کارشناسان نوسازی در شهر تهران نسبت به این موضوعات کاملا آگاه باشند. ارائه آموزش محیط زیست و ارتقای سطح

آگاهی های زیست محیطی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده در شهر تهران موجب حفاظت از منابع و تسریع در روند ایجاد شهر پایدار می گردد. البته باید توجه داشت که تنها اجرای برنامه های آموزشی کافی نیست و از آن مهم تر این است که ضمن اجرای برنامه های آموزشی باید کیفیت آموزش کسب شده نیز سنجیده شود، کاری که متأسفانه کم تر به آن توجه می شود.

پیشنهادها

- (۱) پیشنهاد می شود از سازمان های غیر دولتی در راستای توسعه ای آموزش های غیر رسمی محیط زیست و تشویق کارشناسان نوسازی برای اجرای برنامه های آموزشی جهت ایجاد رفتارهای مسئولانه ی زیست محیطی کمک گرفته شود.
- (۲) به منظور افزایش رفتارهای سازگار با محیط زیست و کاهش معضلات زیست محیطی در کارشناسان نوسازی، با همکاری اساتید و متخصصان محیط زیست برنامه آموزشی مدونی برای کارشناسان نوسازی بافت های فرسوده شهری تنظیم و اجرا گردد.
- (۳) زمینه ای ارتقای تحصیلات مرتبط با زمینه کاری و مسئولیت کارشناسان نوسازی فراهم گردد و یا از طریق برگزاری دوره های ضمن خدمت، سطح دانش و آگاهی های زیست محیطی آنان ارتقا یابد

منابع و مآخذ:

- ۱) اسدیان، ف.، سیاحی، ز. ۱۳۹۰. نقش الگو مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعاتی جغرافیایی مطالعه موردی: محله عامری اهواز. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۴(۱۲): ۱۳۹-۱۶۳.
- ۲) پاتر، ب.، ایونز، س. ۱۳۸۴. شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه کیومرث ایراندوست، مهدی دهقان منشادی، میترا احمدی. تهران. انتشارات. سازمان شهرداری ها و دهیاری ها. ۳۶۱ صفحه
- ۳) داوود پور، ز.، نیکنیا، م. ۱۳۹۰. بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده کوی سجادیه). فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۴(۱۵): ۳۱-۵۹.
- ۴) رضوانی، ن. ۱۳۸۴. بررسی رابطه دانش زیست محیطی و نگرش ها با رفتارهای حفاظت از محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵) سرمد، ز.، بازرگان، ع.، حجازی، ا. ۱۳۸۳. روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه. ۴۱۰ صفحه
- ۶) شبیری، م.، عبدالهی، س. ۱۳۸۸. نظریه ها و کاربردهای آموزش محیط زیست. چاپ اول. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۷) شریعتمداری، م. ۱۳۸۳. ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم. فصلنامه خرد. ۸(۹): ۱-۵
- ۸) شکوئی، ح. ۱۳۸۳. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری. جلد اول. انتشارات سمت. ۳۰۸ صفحه
- ۹) عندلیب، ع.، بیات، ا.، رسولی، ل. ۱۳۹۲. مقایسه تطبیقی بازآفرینی بافت های فرسوده شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول (بریتانیا). فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۶(۲۳): ۷۹-۱۰۴.
- ۱۰) عندلیب، ع. ۱۳۸۶. دفترهای نوسازی بافت های فرسوده. سازمان نوسازی شهر تهران. انتشارات ری پور. ۲۳۱ صفحه
- 11) Kaiser, F. G., Wolfing, S., Fuhrer, U. 1999. Environmental Attitudes and Ecological behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 3(19): 1-19.
- 12) Nordlund, A., Gavril, J. 2002. Value structures behind pro environmental behavior. *Environment and Behavior*. 34. 363-377.
- 13) Stern, P. C., Dietz, T., Kalof, L. 1993. Value orientations, Gender and Environmental Concern. *Journal of Environmental and Behavior*. 4(25): 322 – 348.
- 14) Walner, S., Hunziker, M., Kienast, F. 2003. Do Natural Science Experiment Influence Public Attitudes toward Environmental Problems. *Global Environmental Change*, 3(13): 185 – 194.